



بررسی مشروعیت خرید دین (تنزیل اسناد و اوراق تجاری) در بانکداری اسلامی از منظر فقه امامیه

پدیدآورنده (ها) : عقبائی، فاطمه؛ رجائی پور، مصطفی

فقه و اصول :: نشریه فقه و تاریخ تمدن :: پاییز ۱۳۹۲، سال دهم - شماره ۳ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۷۵ تا ۹۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1100439>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- خرید دین در نظام بانکداری اسلامی
- بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور
- بررسی فقهی و حقوقی تنزیل اسناد تجاری
- بررسی ماهیت و وضعیت حقوقی قرارداد خرید دین با امعان نظر به موازین فقهی و مقررات بانکی
- تحلیل ماهیت حقوقی و مشروعیت تنزیل اسناد تجاری بر مبنای ماهیت بسیط و مرکب در فقه و اندیشه های حقوقی
- بررسی فقهی تنزیل مجدد
- تبیین خط مشی گذاری توسعه ی صادرات بنگاه های کوچک و متوسط با استفاده از راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد
- مشروعیت درآمدزایی «ریسک و مخاطره» در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه
- بررسی رابطه بین حد نوسانات قیمت و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- بررسی مدل های زنجیره ارزش در صنعت آموزش الکترونیکی و ارائه مدل بهینه (مطالعه موردی: یکی از دانشگاه های تهران)
- بررسی ارتباط بین احتمال نکول و ساختار سرمایه با استفاده از مدل KMV و روش پنل دیتا
- بررسی و پیش بینی عملکرد شبکه بانکی ایران با استفاده از مدل های ANN، Kohonen و Panel data

عناوین مشابه

- تحلیل ماهیت حقوقی و مشروعیت تنزیل اسناد تجاری بر مبنای ماهیت بسیط و مرکب در فقه و اندیشه های حقوقی
- ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقه امامیه
- خرید و فروش خون از منظر فقه امامیه
- فقه امامیه و بانکداری اسلامی
- طراحی اوراق بهادار اسلامی قابل تفکیک و قابل تبدیل بر اساس فقه امامیه
- تعریف اهل کتاب و روش تحلیف آنان از منظر فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی
- بررسی اختیارات حاکم اسلامی در حکم جهاد دفاعی از منظر فقه امامیه
- حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی
- خرید و فروش اعضای بدن انسان از منظر فقه امامیه
- طراحی صندوق سرمایه گذاری خرید دین سازگار با فقه امامیه

فاطمه عقبائی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دکتر مصطفی رجائی پور^۱

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

بررسی مشروعیت خرید دین (تنزیل اسناد و اوراق تجاری) در بانکداری اسلامی از منظر فقه امامیه

چکیده

یکی از ابزارهای اعطای تسهیلات در بانکداری امروز، تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) است. مشروعیت استفاده از این ابزار، در بانکداری بدون ربا، در پرتوی تحقق برخی شرایط، تأمین می‌گردد و خارج از آن، خرید و فروش دین با اشکال شرعی روبه‌رو است. این پژوهش، ضمن بررسی مفهوم خرید دین و عناصر وابسته به آن، ماهیت این ابزار را مورد کنکاش قرار داده و شرایطی را که خرید دین با تحقق آن مشروعیت پیدا می‌کند، بیان کرده است. نتیجه‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که چنین قراردادی آنگاه از نظر فقهای امامیه خالی از اشکال و درست است که ۱- ماهیت این تسهیلات، فروش دین همراه با ضمانت یا قرض همراه با وکالت باشد؛ ۲- سند تجاری از نظر شرعی قابل خرید و فروش و حاکی از دینی حقیقی باشد نه صوری. ۳- فروش سند تجاری به کمتر از مبلغ آن به شخص ثالث جایز باشد.

واژگان کلیدی:

مشروعیت، خرید دین، بیع دین، سفته، تنزیل، بانکداری اسلامی.

^۱. mostafarajae@yahoo.com

طرح مسأله

خرید دین، یکی از ابزارهای اعطای تسهیلات است که اگر بتوان در بانکداری اسلامی از آن بهره گرفت، کمک شایانی به اقتصاد کشور در بخش‌های گوناگون تولیدی، بازرگانی و خدماتی می‌کند. لکن استفاده از این ابزار، در بانکداری بدون ربا منوط به انطباق آن با موازین شرعی است. این امر، پژوهندگان را بر آن داشت تا مسأله خرید دین را از بعد فقهی مورد کنکاش قرار دهیم و میزان مشروعیت آن را از منظر فقه امامیه، مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت این موضوع در آن است که اگر حدود شرعی این شیوه اعطای تسهیلات به‌خوبی معین شود، می‌توان به سهولت، در گستره‌ای وسیع از آن بهره برد، امری که در نظام بانکی ما مدتی متوقف و اکنون به‌صورت محدود انجام می‌پذیرد. گفتنی است درباره خرید یا بیع دین، پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است لکن هیچ‌یک از آن‌ها در پی بررسی مشروعیت آن به‌عنوان ابزار اعطای تسهیلات در نظام بانکی نبوده‌اند. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات سامان‌یافته است.

۱- مفاهیم کلی مربوط به خرید دین و عناصر وابسته به آن

ناگفته پیداست که برای بررسی مشروعیت خرید دین، نخست باید تعریف، ماهیت و ارکان چنین قراردادی مشخص شود، همچنین برای رسیدن به نگاهی جامع در خصوص این مسأله نیازمند آن هستیم تا تعاریف و ماهیت برخی از عناصر دخیل در خرید دین، مانند: دین، اسناد و اوراق تجاری و پول نیز مورد بررسی دقیق قرار گیرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱-۱- تعاریف خرید دین

۱-۱-۱- تعریف خرید دین در فقه امامیه: خرید دین در فقه امامیه مورد تعریف قرار نگرفته؛ اما احکام مربوط به آن تحت عنوان بیع دین بیان شده است. گفتنی است بیع دین، یکی از متفرعات بیع است که در برخی از متون فقهی درباره آن گفته شده: چنانچه دین به عهده شخصی باشد، صاحب دین می‌تواند آن را به شخص دیگر به کمتر

از مقدار دین یا مساوی با آن بفروشد (علامه حلی، قواعد الأحكام، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق: ۱۵۷/۲۰).

بنابراین انجام بررسی‌های فقهی خرید دین در این پژوهش، همین مفهوم بیع دین خواهد بود.

۱-۱-۲- تعریف خرید دین در حقوق مدنی: خرید دین، تسهیلاتی است که به موجب آن، بانک، سفته یا براتی که ناشی از معامله نسیه تجاری باشد، خریداری می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶: ۹۰). به اختصار می‌توان گفت: فروش طلب مؤجل به بهایی نازل‌تر از ارزش آن در سررسید را خرید دین گویند (کشاوری معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

۱-۱-۳- خرید دین در قوانین: از خرید دین، به صورت مستقل در قانون مدنی و قانون عملیات بانکی بدون ربا سخنی به میان نیامده و تنها در بند ۵ از ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا، در بخش وظایف نظام بانکی از این روش تحت عنوان (انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات) یاد شده است (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۲۶)، همچنین در ماده ۲ آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) آمده است: «بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم، جهت واحدهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی، اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط این آیین‌نامه تنزیل نمایند» (والی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۳۲۱).

۲-۱- ماهیت خرید دین

خرید دین از متفرعات بیع است و به عنوان ابزار مشتقه در قلمروی بیع از آن استفاده می‌شود؛ اما نمی‌توان آن را از انواع بیع به حساب آورد (بردبار، بی‌تا: ۱۱۶). در خصوص ماهیت فقهی و حقوقی خرید دین یا تنزیل سه نظریه عمده وجود دارد:

۱-۲-۱- قرض همراه با حواله: در جهت تحقق تنزیل، دو عقد قرض و حواله محقق می‌شود. بر اساس این نظریه، دارنده سند تجاری مبلغی را از مشتری قرض می‌گیرد تا در سررسید مقرر آن مبلغ را به همراه بهره آن پرداخت کند ولی طلب مشتری از خود را به موجب عقد حواله به ذمه شخص ثالثی منتقل و مشتری قبول می‌کند که طلب خود را اعم از اصل و بهره در سررسید، از شخص ثالث (محال‌علیه) دریافت کند و اگر وی از پرداخت مبلغ مزبور در سررسید خودداری کند به قرض گیرنده مراجعه می‌نماید. اگر

ماهیت خرید دین یا تنزیل را قرض به همراه حواله بدانیم، قرض گیرنده هم‌زمان با تحقق قرض، قرض دهنده را به مدیون خود حواله می‌دهد که طلب مدت‌دار خود را به همراه بهره در سرسید از وی دریافت دارد، در این صورت، ماهیت این تنزیل، قرض ربوی بوده که نزد تمام فقها، حرام و ممنوع است (موسویان، ۱۳۸۱: ۶۱).

۱-۲-۲- قرض همراه با وکالت: در این روش طلبکار سند تجاری (چک یا سفته)، پس‌ازاینکه قیمت سند را به‌صورت تنزیل از بانک قرض می‌گیرد، بانک را وکیل می‌کند که مبلغ سند را از بدهکار سند تجاری مزبور وصول نماید. در نتیجه صاحب اصلی آن سند تجاری، همچنان به طلبکار خود بدهکار می‌ماند. هنگامی که بانک به طلبکار آن سند تجاری، قرض می‌دهد، می‌تواند اجرت معقولی را طی عقد وکالت به‌عنوان خدمتش برای وصول آن سند تجاری از وی دریافت نماید (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۱-۲-۳- فروش دین، همراه ضمانت: جهت خرید دین یا تنزیل، دارنده سند تجاری، دین خود را به مشتری می‌فروشد و به‌طور هم‌زمان بازپرداخت آن را ضمانت می‌کند. در این حالت، تنزیل با تحقق دو عقد بیع و ضمانت به‌طور هم‌زمان، محقق می‌شود. در این عملیات تنزیل کننده، دینی را که مطابق سند تجاری از کسی طلب دارد و مؤجل نیز است به قیمت کمتر از مبلغ اسمی آن، به مشتری می‌فروشد و درعین حال با امضای پشت آن سند تجاری، ضمانت بازپرداخت آن را در سرسید می‌نماید. گفتنی است اگر ماهیت تنزیل را قرض همراه با حواله بدانیم، این عملیات همان قرض با بهره و ربا است و به‌اتفاق نظر همه فقها حرام و ممنوع است؛ اما اگر این عملیات به شیوه فروش دین، همراه ضمانت انجام شود، چون پای شخص ثالث در میان می‌آید برخی از فقها آن را جایز نمی‌دانند و برخی دیگر که فروش سفته حقیقی را به کمتر از مبلغ اسمی به شخص دیگر جایز می‌شمارند، این عملیات را مشروع می‌دانند (موسویان، ۱۳۸۱: ۶۱ و ۶۲). البته راه‌کار قرض به همراه وکالت که در واقع تصحیح شرعی شیوه قرض به همراه حواله است نیز توسط برخی از فقهای معاصر برای رهایی از دام ربا در عملیات خرید دین طراحی شده که الگویی مناسب برای تأمین مشروعیت عملیات خرید دین به حساب می‌آید (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۱-۳- ارکان خرید دین

خرید دین از جهت فروش طلب، نمی‌تواند از موارد عقد بیع به مفهوم «تملیک عین به عوض معلوم» باشد چون طلب، عین نیست اما از جهت فروش سند تجاری می‌توان آن را بیع دانست، بنابراین ارکان آن از نظر فقهی و حقوقی همان ارکان مذکور در عقد بیع، یعنی طرفین قرارداد، ایجاب و قبول و عوضین است. البته در این قرارداد مبیع، دین مدت‌دار بدهکار است و ثمن، مبلغی است که توسط بایع (مدیون یا شخص ثالث) در ازای دین پرداخت می‌شود (ملاکرمی، ۱۳۹۰: ۴۱).

۱-۴- بررسی عناصر دخیل در عملیات خرید دین

مفهوم خرید دین به‌ویژه در چارچوب نظام بانکی بدون ربا، به‌طور محسوسی با برخی دیگر از مفاهیم مانند دین، اسناد و اوراق تجاری و پول در هم تنیده شده است، بنابراین برای بررسی فقهی همه‌جانبه در خصوص خرید دین ناگزیر، می‌بایست تعاریف، ماهیات و ارتباط این عناصر با خرید دین، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۴-۱- دین

دین از نظر لغوی به هر چیزی که هم‌اکنون حاضر نباشد اطلاق می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۶۶/۱۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۷۲/۸). برخی از علما نیز دین را با توجه به کاربرد آن در بخشی از آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره^۱، از نظر لغوی مساوی با قرض دانسته‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۲۵۰/۶)، لکن از نظر فقهی، دین مالی کلی است که به سببی در ذمه یک شخص برای شخص دیگر ثابت می‌گردد، سبب ثبوت دین در ذمه، گاهی از امور اختیاری است، مانند اشتغال ذمه زوج به مهر به سبب عقد ازدواج یا اشتغال ذمه قرض گیرنده به عوض قرض به سبب عقد قرض و یا اشتغال ذمه خریدار به ثمن در بیع نسبه و فروشنده به مثن در بیع سلف و گاهی غیر اختیاری است، مانند اشتغال ذمه فرد به بدل چیزی که آن را تلف کرده است یا اشتغال ذمه زوج به نفقه زوج و مانند آن. به شخصی که

۱. «...اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی....»

ذمه‌اش مشغول گردیده «مدیون» یا «مدین» و به شخص دیگر «دائن» یا «غریم» گفته می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۴۷/۱؛ مشکینی، بی‌تا: ۲۴۸).

گفتنی است گرچه فقها و محدثان، غالباً در نام‌گذاری ابواب مربوط به قرض یا دین، این دو کلمه را در کنار هم و به یک معنی استفاده می‌کنند، لکن نسبت دقیق این دو مفهوم از نظر منطقی عموم و خصوص مطلق است به این معنی که هر قرضی دین است اما هر دینی قرض نیست. چراکه بنابر آنچه گذشت دین بر هر مال کلی که در ذمه دیگری ثابت باشد صادق است مانند ثمن مبیع در معاملات نسیه، اجرت اجیر در باب اجاره، مهریه زوجه و مانند آن؛ اما قرض عبارت است از تملیک مال به دیگری در برابر ضمانت پرداخت مثل یا قیمت آن توسط او که سبب اشتغال ذمه قرض گیرنده می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۳ ق: ۵۵۵). برخی نیز تفاوت میان قرض و دین را در مؤجل بودن دین و غیر مؤجل بودن قرض دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۹/۲۰ و ۱۰۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق).

اما از نظر حقوقی، دین جنبه منفی تعهد است که قائم به مدیون و متعهد است، همچنان‌که طلب، جنبه مثبت آن و قائم به دائن است و در این امر هیچ‌گونه نظری به سبب پیدایش آن نیست و فرقی نمی‌کند که دین حاصل از عقد باشد یا از شبه عقد یا از جرم حاصل شده باشد یا از شبه آن و یا آنکه به وسیله قانون به وجود آمده باشد (امامی، بی‌تا: ۲/۲۰۵). از نظر تحلیلی، تعهد، رابطه‌ای بین متعهد (مدیون) و متعهد له (دائن) به وجود می‌آورد که به متعهد له حق می‌دهد، مورد تعهد را از متعهد مطالبه نماید؛ بنابراین از نظر تحلیل حقوقی دین، چهار رکن دارد:

الف- صاحب حق که متعهد له یا طلبکار یا دائن نامیده می‌شود.

ب- مکلف، کسی که در مقابل متعهد له، ملزم به دادن چیزی یا انجام عملی و یا خودداری از عملی باشد که آن را مدیون یا متعهد یا بدهکار گویند.

ج- رابطه حقوقی و آن امری است اعتباری و تصویری که قانون در اثر آن به بستانکار و متعهد له اختیار می‌دهد که از بدهکار مطالبه ایفای تعهد را بنماید و مورد تعهد را بخواهد.

د- جزاء که عبارت است از حمایت قانون از طلبکار که هرگاه مدیون یا متعهد به میل خود تکلیف قانونی را ایفا نکند، قوه مجریه به کمک متعهد له آمده و متعهد را مجبور به انجام آن می‌نماید (فرزین‌وش، ۱۳۸۱: ۴۹۳ و ۴۹۴).

۱-۴-۲- اسناد و اوراق تجاری

یکی از مباحث مربوط به خرید دین، به‌ویژه در عملکرد بانکی، خریدوفروش اسناد و اوراق تجاری است. حتی آیین‌نامه موقتی که برای بانک‌ها در خصوص خرید دین تنظیم شده است، به نام آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری، خوانده می‌شود. شایان‌ذکر است، اسناد ردّ و بدل شونده میان بازرگانان در معاملات را اوراق تجاری گویند. این اسناد شامل چک، سفته، برات، اسناد در وجه حامل و هرگونه اوراق بهادار می‌شود. چنین اسنادی میان مردم به‌ویژه بازرگانان، ردّ و بدل می‌شوند و مبلغ مندرج در آن‌ها به‌صورت نقد یا پس از مدت معین و کوتاهی قابل پرداخت است. نظر فقها در مالیت داشتن یا نداشتن این اسناد و اختلاف نظر ایشان در امکان فروش آن، یکی از اصلی‌ترین مباحث مربوط به خرید دین به شمار می‌آید، چراکه امروزه این اسناد و اوراق تجاری هستند که حکایت از دین مدیون می‌کنند؛ بنابراین بررسی مباحث مربوط به خریدوفروش چک و سفته از مدخل‌های اصلی در ورود به مباحث خرید دین است.

گفتنی است اوراق تجاری مانند چک و سفته، از نظر فقهی ارزش مالی مستقلی ندارند و تنها در حدّ سند معتبر طلب یا بدهی هستند و معاملاتی که با آن‌ها انجام می‌گیرد، به اعتبار همان طلب یا بدهی است؛ بنابراین، دادن آن به طلبکار، پرداخت بدهی به شمار نمی‌رود و با از بین رفتن سند، ذمه مدیون، بری نمی‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۱۳/۲) در نتیجه خریدوفروش چک به دلیل نداشتن ارزش مالی صحیح نیست؛ لکن خریدوفروش دینی که چک، بیانگر آن باشد با وجود شرایطی جایز است که به آن خواهیم پرداخت.

۱-۴-۳- پول

پول رایج‌ترین واسطه دادوستد و وسیله پرداخت در جوامع امروزی است. گمان می‌رود نتیجه‌گیری فقیهان امامی در خصوص مالیت داشتن و مثلی یا قیمی بودن پول از مهم‌ترین مسائلی است که در ابواب مختلفی از فقه به‌ویژه بیع دین کاربرد دارد. امروزه پول پس از سیر تاریخی خود، از پول کالایی به‌صورت پول اعتباری رسیده است. پول اعتباری خود نیز اقسامی دارد، از جمله پول حکمی، تحریری یا سپرده و الکترونیکی (ر.ک، فرهنگ فقه، ۱۴۲۶ ق: ۲۸۷/۲).

۲- بررسی فقهی استفاده از ابزار خرید دین در نظام بانکی بدون ربا

۱-۲- حکم فقهی بیع دین

پیش از ورود به این بحث باید دانست که اساساً حکم فقهی خرید دین چیست؟ آیا این عمل مورد تأیید شرع قرار گرفته است و عنوانی در فقه امامیه را به خود اختصاص داده یا از مسائل نوظهور است که نیاز به تبیین آن ضروری است؟ گفتنی است خرید دین به خودی خود و بدون توجه به استفاده آن به عنوان از ابزارهای اعطای تسهیلات در نظام‌های بانکی، از مسائل مستحدثه نیست. در خصوص حکم آن نیز، فقها با توجه به برخی از متغیرها مانند اصل دین، خریدار و میزان بدهی مدیون به جواز یا عدم جواز این عملیات، حکم داده‌اند؛

عده‌ای از ایشان در خصوص بیع دین به خود مدیون یا به شخص ثالث معتقدند: بیع دین به غیر مدیون صحیح نیست (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق: ۳۸۲ و ۳۹) اما در مقابل عده‌ای دیگر، بیع دین را چه به مدیون و چه به غیر مدیون جایز و صحیح می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۲/۲). حتی برخی این نظریه را به مشهور نسبت می‌دهند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ۲۳/۴) و بعضی شهرت را نزدیک به اجماع می‌دانند (نجفی، بی تا: ۳۴۴/۲۴)، بنابراین اشخاصی از میان علما، از حکم صحت بیع دین، تعبیر به «دیدگاه علمای امامیه» کرده‌اند و تفاوتی بین بیع دین به مدیون و غیر او نگذاشته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۹/۵).

اما در خصوص حال یا مؤجل بودن دین، گفتنی است در جواز خرید و فروش دین، پیش از رسیدن موعد آن یا به عبارتی دیگر بیع دین مؤجل، اختلاف است. بیشتر فقها این صورت را نیز جایز می‌دانند (فرهنگ فقه، ۱۴۲۶ ق: ۷۱۸/۱ و ۷۱۹) ایشان معتقدند که دین مؤجل حق مالی و بیع آن جایز است (حسینی عاملی، بی تا: ۲۰/۵ و ۲۱)؛ اما در مقابل برخی از فقها بر آن‌اند که بیع دین قبل از حلول آن نه به مدیون و نه به غیر مدیون مطلقاً جایز نیست؛ یعنی بیع دین مؤجل جایز نیست بلکه صرفاً بیع دین حال (نقد) مجاز است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ۶۰/۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق: ۱۲۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق: ۲۰۲/۲۰).

البته فقهای بی که اعتقاد به صحت بیع دین مؤجل دارند همگی معتقدند که بیع دین مؤجل فقط به ثمن حال (نقد) جایز است، چه به مدیون فروخته شود و چه به شخص ثالث، ولی بیع دین به نحو نسیه و ثمن مؤجل یا به عبارت رایج‌تر، بیع دین به دین

باطل است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۳/۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۱۹/۵). دلیل این بطلان، برخی از روایتها است که از این نوع معامله نهی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۵۹۹/۹ و ۶۰۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۸۹/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹۸/۱۸) و همچنین اجماع معرفی شده است (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۱۸/۲۱ و ۱۹).

در خصوص جواز بیع دین به کمتر از آن نیز تردیدی نیست اما پرسش اینجاست که در صورت فروش دین، مدیون ملزم به پرداخت چه مبلغی است؟ در این خصوص دو نظر عمده وجود دارد:

۱- بیع دین به کمتر صحیح است ولی خریدار دین، بیشتر از آن مقدار که به طلبکار اصلی، پرداخت کرده است نمی‌تواند از بدهکار بگیرد و ذمه بدهکار از مابقی دین، بری می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ ق: ۳۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ ق: ۱۳۶/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۳/۵؛ نجفی، بی تا: ۶۰/۲۵).

۲- بیع دین مطلقاً صحیح است و خریدار مالک تمام دینی می‌شود که خریده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۲/۲؛ استرآبادی، ۱۴۲۱ ق: ۸۴؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ ق: ۴۱۸/۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ ق: ۴۷۳/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ ق: ۴۴۸/۱).

طرفداران نظریه اول به روایتی در این خصوص استناد می‌کنند که به‌صراحت مدیون را فقط ملتزم به پرداخت همان مبلغ پرداخت‌شده توسط خریدار دین می‌نماید (کلینی، ۶۰۲/۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۹۱/۶)؛ اما طرفداران نظریه دوم، این روایات را ضعیف شمرده و معتقدند عموم ادله وفای به عقد، نظریه اول را رد می‌کند؛ بنابراین به پرداخت کامل دین به خریدار آن فتوا داده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ۲۱/۴ و ۲۲). گمان می‌رود دلیل ضعف روایتی که فائلان به نظریه نخست بر آن تکیه کرده‌اند، وجود (محمد بن فضیل) در سلسله سند باشد؛ چراکه علمای رجال وی را متهم به غلو کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۵۱؛ حلی، ۱۳۴۲: ۵۱۰). البته یکی از فقه پژوهان معاصر، ذیل بررسی روایت پیش در کتابش، او را توثیق می‌کند و معتقد است متهم شدن وی به غلو، منشأ مشخصی ندارد، به‌علاوه شیخ مفید در یکی از مؤلفاتش از او تمجید کرده است، پس موثق دانستن وی بر ضعیف شمردن او ترجیح دارد. (نجفی، ۱۴۲۷ ق: ۱۴۲). شاید همین تردیدها در صحیح یا مجهول دانستن این روایت است که برخی از علما را بر آن داشته

تا احتیاط مستحب را در این بدانند که خریدار دین، مبلغی بیش از آنچه پرداخته از مدیون دریافت نکند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۷/۲).

۲-۲- بیع دین در نظام بانکداری بدون ربا

از عملیات خرید دین در نظام بانکی به تنزیل تعبیر می‌شود، تنزیل یعنی فروش سند تجاری (مانند سفته و برات)، با مبلغی کمتر از اعتبار آن (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ ق: ۵۲۵). اجرای این عملیات در دو سطح برای بانک‌ها قابل انجام است، یکی تنزیل اسناد تجاری مشتریان بانک؛ به این صورت که متقاضی تنزیل، سند تجاری مدت‌داری که حاکی از بدهی شخص دیگری است، پیش از فرارسیدن سررسید به بانک داده و بانک با کسر نسبتی از مبلغ آن، سند را نقد می‌نماید. او نیز پشت سند را امضا می‌کند که اگر بانک نتوانست در سررسید معین وجه آن سند را وصول کند، آن را از تنزیل کننده دریافت نماید. سطح دیگری از عملیات خرید دین که به آن تنزیل مجدد اطلاق می‌شود بین بانک‌ها و بانک مرکزی اتفاق می‌افتد، در این عملیات بانک‌ها، سفته‌های تنزیلی خود را نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند یعنی به میزان سفته‌های تنزیلی از بانک مرکزی پول یا اعتبار دریافت می‌نمایند (رک، موسویان، ۱۳۸۱: ۶۳ تا ۶۳). اساس این ابزار، در بانکداری بدون ربا، بر مسأله «بیع دین» استوار است (فراهانی، ۱۳۷۷: ۶۸ و ۶۹).

برای بررسی دقیق مسائل خرید دین در چارچوب نظام بانکداری اسلامی و بررسی مشروعیت آن، ناگزیر باید چند مسأله بررسی شود. این مسائل عبارت‌اند از امکان خرید و فروش اسناد تجاری، وجود دین حقیقی در پس اسناد تجاری، امکان فروش بدهی به شخص ثالث به کمتر از مبلغ سند تجاری و شیوه بانک در نقد کردن این اسناد تجاری. در حقیقت مشروعیت خرید دین در پرتوی شرایط موجود در عناصر بالاست، به این معنی که اگر سند تجاری، ماهیتی قابل خرید و فروش داشته باشد سخن از دینی حقیقی در میان باشد، از نظر شرعی فروش سند تجاری به کمتر از مبلغش را به شخص ثالث صحیح بدانیم و دست‌آخر، بانک در نقد کردن سند تجاری از روش خریدن دین یا قرض همراه با وکالت استفاده کند نه از شیوه قرض به همراه حواله، چنین عملیاتی شرعی و خالی از اشکال است. حکم هر کدام از مواردی که بیان شد در خلال مباحث پیشین، معلوم شد، لکن برای نتیجه‌گیری بهتر، این موارد به‌اجمال بیان می‌شود:

۱- آیا اسناد تجاری ارزش مالی داشته و قابل خریدوفروش هستند؟

همان‌طور که گذشت فقها، اتفاق نظر دارند بر اینکه، ورقه‌های سفته و سایر اوراق تجاری، دارای مالیت مستقل نیستند بنابراین معاملاتی که بر آن‌ها واقع می‌شود به خود آن‌ها واقع نمی‌شود، بلکه بر نقودی که این اوراق از آن‌ها حکایت می‌کنند، واقع می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۱۳/۲)؛ بنابراین تنزیل یک سند، به منزله فروش نسبه اسکناس معادل با مبلغ اسمی آن سند به مبلغ کمتر است. بدین جهت این معامله در صورتی جایز است که خریدوفروش نسبه اسکناس جایز باشد. مشروعیت خریدوفروش اسکناس خود مبتنی بر دو مطلب است:

الف- حرمت ربای معاملی منحصر در اشیای مکیل و موزون باشد تا در مبادله اسکناس‌ها با یکدیگر ربای معاملی پیش نیاید؛ که قول مشهور فقها همین است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ ق: ۷۵/۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۱۱/۲ و ۶۱۳؛ بهجت، ۱۴۲۸: ۲۸۲/۳؛ موسوی خویی، ۵۴/۲؛ حسینی سیستانی، ۴۴۷/۱؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۲۵۵/۱).

ب- خریدوفروش نسبه اسکناس از نظر عرف مردم، معامله و معاوضه محسوب شود نه قرض تا در مبادله اسکناس‌ها ربای قرضی نیز اتفاق نیفتد. در توضیح این دو مطلب باید گفت، یکی از شروط صحت بیع، سلامت آن از ربا است. در خصوص فروش پول، چون اسکناس از معدودات است نه از مکیل و موزون، بنابراین ربای معاوضی یا معاملی در آن جریان ندارد. البته این در صورتی است که دایره حرمت ربای معاملی را محدود به اشیای مکیل و موزون کنیم، چراکه برخی از اندیشمندان دایره این حرمت را تا مرز همه اشیای قابل اندازه‌گیری گسترش داده‌اند (ر.ک. مطهری، ۱۳۶۴: ۷۸ و ۷۹ و ۲۰۴ تا ۲۰۷) و عده‌ای از ایشان ربای معاملی را در همه مثلیات از جمله پول جاری می‌دانند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ ق: ۷۱/۲ تا ۷۲)، بنابراین اگر بنا بر قول مشهور، حرمت ربای معاملی را منحصر در مکیل و موزون دانستیم، خریدوفروش اسکناس از این جهت که از موارد ربای معاملی به شمار نمی‌رود صحیح است. اما همین خریدوفروش محل ابتلا به ربای قرضی نیز است؛ یعنی اگر مبادله پول به صورت قرض با فرض زیاده صورت پذیرفت، قطعاً ربای قرضی تحقق پیدا می‌کند، زیرا در ربای قرضی دیگر مسأله مکیل و موزون نقش ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ۷۵ و ۷۶) بلکه برای صحت این بیع و گرفتار نیامدن در دام ربا، خریدوفروش اسکناس، باید به قصد بیع انجام شود، نه به قصد قرض و صورت بیع (طباطبایی، ۱۴۱۰ ق:

۷۵/۲؛ موسوی خمینی، بی تا: ۶۱۴/۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴ ق: ۳۶۷ و ۳۶۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ ق: ۳۵۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ ق: ۳۷/۲.

نتیجه این که اسناد تجاری به خودی خود ارزش مالی ندارند بلکه مالیت آن‌ها وابسته به پشتوانه نقدی آن‌هاست؛ و این پشتوانه‌های نقدی که امروزه اسکناس هستند، قطعاً ارزش مالی دارند و خریدوفروش آن‌ها با وجود شرایطی که ذکر شد صحیح است.

۲- آیا دیون واقعی و نا واقعی، قابل خریدوفروش هستند؟

همان‌طور که اشیا قابلیت خریدوفروش دارند، دیون و بدهی‌ها را نیز می‌توان مورد معامله قرارداد، این مطلب مورد اتفاق فقها است (فراهانی، ۷۰) اما از سوی دیگر، فقها بر آن‌اند که خریدوفروش بدهی‌های ساختگی که حاکی از دیون نیستند در قالب اسناد تجاری غیرواقعی، جایز نیست (موسوی خمینی، بی تا: ۶۱۱/۲ و ۶۱۲؛ موسوی خویی، ۴۱۸/۱؛ وحید خراسانی، ۴۷۳/۲؛ بحرانی، ۱۴۲۸ ق: ۴۲۶؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ ق: ۴۴۸/۱). گرچه برخی از فقهای عظام، راه‌هایی را برای تأمین مشروعیت خریدوفروش چنین اسنادی پیشنهاد کرده‌اند، اما این راه‌ها، خود خالی از اشکال نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ۴۷۹).

۳- آیا فروش سند تجاری به کمتر از مبلغ آن به شخص ثالث صحیح است؟

از نظر شرعی طلبکار می‌تواند قبل از سررسید، طلب خود را به مبلغ کمتری به خود بدهکار بفروشد و در واقع از بخشی از طلب خود در مقابل اینکه آن را زودتر دریافت می‌کند بگذرد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق: ۳۱۰/۲). اما چنین مسأله‌ای با آنچه امروزه در بانک‌ها اتفاق می‌افتد متفاوت است؛ چراکه آنچه امروزه در بحث تنزیل مطرح می‌شود، عبارت است از فروش بدهی‌ها به شخص یا مؤسسه دیگر. اکثر فقهای متقدم، متأخر و معاصر در این خصوص حکم به جواز داده‌اند. باین‌وجود برخی از فقها نیز هستند که با این نظر مخالفت کرده‌اند و فروش دین به اقل را به شخص ثالث صحیح نمی‌دانند (فراهانی، ۷۰). نکته قابل توجه این است که همه کسانی که خریدوفروش بدهی را جایز دانسته‌اند؛ آن را مشروط به سلامت از ربا در معامله کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ۴۶۱/۳؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۱۸/۵).

۴- روش شرعی خرید دین کدام است؟

در بررسی ماهیت خرید دین گفته شد که آنچه در نظام‌های بانکی مرسوم است، خرید دین به صورت قرض همراه حواله است، بر اساس بررسی‌های فقهای این روش قطعاً

از مصادیق ربا و حرام است، اما برخی این روش را به صورت قرض همراه وکالت تصحیح کرده‌اند و گروهی خرید دین شرعی را منحصر در فروش حقیقی دین می‌دانند. البته نظام بانکی کشور در حوزه قانون با آنچه گفته شد مطابقت دارد؛ چراکه مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای خرید دین در آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری آمده؛ عبارت است از اینکه، موضوع خرید دین تنها خرید اوراق بهادار ناشی از معاملات حقیقی به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آن‌هاست که طرف‌های تعهد معتبری داشته باشد (مواد ۳ تا ۶ آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین)، والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ۳۲۲) اما این عملیات در حوزه عملکرد نظام بانکی با مشکلاتی مواجه است. بنابر آنچه گذشت، اگر قرارداد خرید دین طبق موازینی که برایش تعریف شده، مورد عمل بانک‌ها قرار گیرد، صحیح و شرعی خواهد بود. اما در مدت کمی که این قرارداد در کشور اجرایی شد، بعضی اشکالات آن در مرحله اجرا آشکار گشت. مهم‌ترین مشکلات پیش آمده عبارت بودند از:

الف- تنزیل دیون ساختگی و صوری درحالی که تنزیل و فروش آن‌ها جایز نیست.
ب- معامله دیون با یکدیگر، درحالی که چنین معامله‌ای مصداق بیع دین به دین و حرام است.

ج- استفاده از تسهیلات خرید دین بخش‌های گوناگون به جای یکدیگر، به گونه‌ای که دیون مربوط به بخش‌های ویژه اولویت‌دار و با نرخ تنزیل پایین مانند بخش کشاورزی، برای استفاده در بخشی که این شرایط را نداشت مانند تجارت، تنزیل استفاده می‌شد.

د- بی‌توجهی بانک‌ها به اعتبار فرد مدیون در پرداخت بدهی.

هـ- حجم زیاد متقاضی تنزیل به نرخ‌های تنزیل بانکی و در نزد بانک‌ها.

و- نبودن منابع جهت تأمین اعتبار و فعال نبودن این بخش از عقود.

ز- ناآشنایی کارکنان و مشتریان بانک‌ها به مسائل مربوط به بیع دین.

به دلیل همین اشکالات مذکور عملیات تنزیل در بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران در برهه‌ای از زمان متوقف (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۸۳) و هم‌اکنون در حجم اندکی انجام می‌گیرد (همو، ۱۳۸۶: ۱۳۱) به گونه‌ای که در حال حاضر بیشتر بانک‌ها، این نوع عملیات را به جهت مشکل بودن تشخیص معامله واقعی از صوری، انجام نمی‌دهند (میرجلیلی، ۱۳۷۴: ۱۵۹ و ۱۶۵).

نتیجه

۱- خرید دین که معادل اصطلاح فقهی بیع دین است؛ یعنی فروش طلب مؤجل به بهایی نازل تر از ارزش آن در سررسید. این قرارداد در چارچوب نظام بانکی، عبارت است از تسهیلاتی که به موجب آن، بانک، سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسبه تجاری باشد، خریداری می نماید.

۲- ماهیت این قرارداد یا قرض همراه با حواله است، یا قرض همراه با وکالت و یا فروش دین همراه با ضمانت. در صورت اول، این تنزیل، قرض ربوی و به نظر همه فقها، حرام است؛ اما اگر این قرارداد را قرضی همراه با وکالت بدانیم، برخی از فقها آن را جایز می شمارند و در صورتی که ماهیت چنین تنزیلی را خرید دین همراه با ضمانت بدانیم، مورد تأیید بسیاری از فقهای امامیه است.

۳- اگر خرید دین را به جهت فروش سند تجاری از متفرعات بیع دانستیم، ارکان این عقد همان ارکان عقد بیع یعنی متعاقدين، ایجاب و قبول و عوضین است. تنها باید توجه داشت که دین به عنوان عوض دین قرار نمی گیرد.

۴- مهم ترین عناصر وابسته به خرید دین عبارتند از: دین، اسناد و اوراق تجاری و پول که تعاریف و ماهیت آنها در جواز یا عدم جواز خرید دین مؤثر است.

۵- مهم ترین متغیرها در تأمین مشروعیت خرید دین عبارتند از: قابل خرید و فروش بودن سند تجاری، حقیقی بودن دینی که قرار است خرید و فروش شود، صحت فروش سند تجاری به کمتر از مبلغ آن به شخص ثالث و در پایان نقد کردن سند تجاری از روش خریدن دین یا قرض همراه با وکالت نه به شیوه قرض به همراه حواله.

۶- مهم ترین مشکلات مربوط به اجرای خرید دین در نظام بانکی کشور عبارتند از: تنزیل دیون ساختگی و صوری، معامله دیون با یکدیگر، استفاده از تسهیلات خرید دین بخش های متفاوت به جای یکدیگر، بی توجهی بانکها به اعتبار فرد مدیون در پرداخت بدهی، حجم زیاد متقاضی تنزیل به نرخهای تنزیل بانکی، نبودن منابع جهت تأمین اعتبار و فعال نبودن این بخش از عقود، ناآشنایی کارکنان و مشتریان بانکها به مسائل مربوط به بیع دین.

کتابنامه:

* قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. دار صادر. چاپ سوم.
- ۲- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ه.ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. محقق: آقا مجتبی عراقی - علی‌یناه اشتهااردی - آقا حسین یزدی اصفهانی. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- ۳- استرآبادی، محمد یوسف. (۱۴۲۱ ه.ق). صیغ العقود و الإیقات و سه رساله دیگر؛ مطابق با فتاوی شیخ اعظم انصاری. قم: مجمع اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- ۴- امامی، سید حسن. (بی‌تا). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
- ۵- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ ه.ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. محقق: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- ۶- بحرانی، محمد سند. (۱۴۲۸ ه.ق). فقه المصارف و النقود. مقرر: مصطفی اسکندری. قم: مکتبه فذک. چاپ اول.
- ۷- بردبار، نعمت الله. (بی‌تا). بررسی فقهی - حقوقی چهار قرارداد بانکی (مضاربه، مشارکت، فروش اقساطی، بیع دین). بی‌جا.
- ۸- بهجت فومنی گیلانی، محمدتقی. (۱۴۲۸ ه.ق). استفتانات. قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت. چاپ اول.
- ۹- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۷ ه.ق). المسائل المنتخبة. قم: دار الصدیقة الشهيدة سلام الله علیها. چاپ پنجم.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۱۱- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۲۴ ه.ق). أجوبة الاستفتانات. دفتر معظم له در قم. چاپ اول.
- ۱۲- حسینی سیستانی، سید علی. (۱۴۱۷ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی. چاپ پنجم.
- ۱۳- حسینی عاملی، سید جواد. (بی‌تا). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- ۱۴- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۱ ه.ق). رجال العلامة الحلی. نجف اشرف: دار الذخائر. چاپ دوم.
- ۱۵- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۱۳ ه.ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
- ۱۶- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۱۳ ه.ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. محقق: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- ۱۷- حلی (محقق)، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ ه.ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیة. قم: مؤسسة المطبوعات الدینیة. چاپ ششم.
- ۱۸- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۰۸ ه.ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان. دوم.
- ۱۹- حلی، ابن ادریس. (۱۴۱۰ ه.ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
- ۲۰- حلی، حسن بن علی بن داود. (۱۳۴۲). کتاب الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱- سیزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳ ه.ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. محقق: مؤسسه المنار. قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله. چاپ چهارم.
- ۲۲- طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین. با تعلیقات شهید سید محمد باقر. بیروت: دار المعارف للمطبوعات. چاپ اول.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ ه.ق). مجمع البحرین. محقق: سید احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم.
- ۲۴- طوسی (شیخ)، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ه.ق). تهذیب الأحكام. تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم.
- ۲۵- _____ ، _____ ، _____ (۱۳۷۳). رجال الطوسی. تحقیق: جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین به قم المقدسه. چاپ سوم.
- ۲۶- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۰۰ ه.ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الکتب العربیة. چاپ دوم.
- ۲۷- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ ه.ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.

- ۲۸- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ ه.ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. شارح: سید محمد کلانتر. قم: کتابفروشی داوری.
- ۲۹- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۱۳ ه.ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. محقق: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية. چاپ اول.
- ۳۰- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ه.ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام. چاپ دوم.
- ۳۱- فاضل لنکرانی، محمد. (بی‌تا). جامع المسائل. قم: امیر قلم. چاپ یازدهم.
- ۳۲- _____ ، _____ ، _____ (۱۴۲۶ ه.ق). رساله توضیح المسائل. قم: دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی. چاپ صد و چهاردهم.
- ۳۳- فراهانی، سعید. «بررسی فقهی - اقتصادی تنزیل مجدد و اوراق قرضه». فصلنامه تخصصی فقه اهل‌بیت عليهم السلام. سال چهارم. ش ۱۵. پائیز ۱۳۷۷. ۹۴-۶۴.
- ۳۴- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ه.ق). کتاب العین. محقق: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.
- ۳۵- فرزین‌وش، اسد الله و احمد شعبانی و همکاران. (۱۳۸۱). بررسی عقود در بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی (پژوهشکده). چاپ اول.
- ۳۶- فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت عليهم السلام. «احکام فقهی پول». در مصاحبه با آقایان: ابوطالب تجلیل، محمدهادی معرفت، محمدهدی آصفی، سید محمدحسن مرعشی، سید محمد موسوی بجنوردی. فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت عليهم السلام. سال دوم. ش ۷. پائیز ۱۳۷۵. ۴۲-۹.
- ۳۷- فیاض، محمد اسحاق. بانک از نگاه اسلام. ترجمه محمد جواد برهانی. قم: بوستان کتاب. ۱۳۸۹.
- ۳۸- کشاورز معتمدی، سکنیه. (۱۳۸۶). آئین تنظیم قرارداد (بیع، فروش اقساطی، سلف، خرید دین). تهران: انتشارات امیدان. چاپ دوم.
- ۳۹- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ه.ق). الکافی. محقق: پژوهشگران مرکز تحقیقات دار الحدیث. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر. چاپ اول.
- ۴۰- مشکینی، میرزاعلی. (بی‌تا). مصطلحات الفقه. بی‌جا.
- ۴۱- مصطفوی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۳ ه.ق). فقه المعاملات. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- ۴۲- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). ربا، بانک، بیمه. تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹). ربا و بانکداری اسلامی. قم: امام علی بن ابیطالب (علیه‌السلام).

- ۴۴- _____ ، _____ ، (۱۴۲۴ ه.ق). رساله توضیح المسائل. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام). چاپ دوم.
- ۴۵- ملاکریمی، فرشته. «بررسی فقهی عقود مباحه، خرید دین و استصناع». فصلنامه تازه‌های اقتصاد. سال نهم. ش ۱۳۳. پائیز ۱۳۹۰. ۴۶-۴۰.
- ۴۶- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- ۴۷- _____ ، _____ ، (۱۴۲۶ ه.ق). توضیح المسائل. جمع‌آوری مسلم قلی‌پور گیلانی. قم: بی‌جا. چاپ اول.
- ۴۸- _____ ، _____ ، (بی‌تا). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- ۴۹- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۰۹ ه.ق). مجمع المسائل. تحقیق: علی کریمی جهرمی و علی نایبی همدانی و علی نیری همدانی. قم: دارالقرآن الکریم. چاپ دوم.
- ۵۰- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). احکام فقهی بانکداری بدون ربا. بازنگری حوزه نمایندگی ولی فقیه در بنیاد تعاون بسیج. بی‌جا: ناشر وثوق. چاپ اول.
- ۵۱- _____ ، _____ ، (۱۳۸۱). بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم.
- ۵۲- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم. چاپ بیست و هشتم.
- ۵۳- میرجلیلی، سید حسین. (۱۳۷۴). ارزیابی بانکداری بدون ربا. تهران: دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی. بازرگانی و خدمات. چاپ اول.
- ۵۴- نجفی، بشیر حسین. (۱۴۲۷ ه.ق). بحوث فقهیه معاصره. نجف اشرف: دفتر حضرت آیه الله نجفی. چاپ اول.
- ۵۵- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن. (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. محقق عباس قوچانی - علی آخوندی. بیروت: دار إحياء التراث العربی. هفتم.
- ۵۶- والی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۶۸). مجموعه قوانین و مقررات بانکی. تهران: مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول.
- ۵۷- وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر (علیه‌السلام). پنجم.
- ۵۸- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ ه.ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. محقق: محققان مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام. چاپ اول.